

تطبیق و بررسی الگوهای تربیتی ایرانی و مکاتب تعلیم و تربیت

علی اکبر نصیری^۱، هانیه شبانی^۲

چکیده

مفاهیم «تعلیم و تربیت» و «انسان» دو مفهوم مقارن با هم هستند؛ هر جا انسانها زندگی کرده‌اند، مسئله تعلیم و تربیت نیز مطرح بوده است. ضرورت و نقش تعلیم و تربیت در زندگی انسان امری بدیهی و غیرقابل انکار است. این نوشتار درصدد است الگوهای تربیتی از نظر دو فیلسوف اسلامی ایرانی، سهروردی و صدرالمآلهین را تبیین و بررسی نماید. انسان‌شناسی در فلسفه سهروردی اهمیت زیادی دارد و تعلیم و تربیت نیز بدون شناخت انسان ممکن نیست، بنابراین او اولین قدم را شناخت نفس معرفی می‌کند. فاعل شناسا معنابخش معلوماتی است که به ذهن وارد میشود، پس بر اساس شهود درونی، معلومات تعیین می‌یابند و شخص از راه قوه عقلانی پرورش یافته، قالبهای درستی در ذهن میسازد و معلومات را در قالبها میریزد. سهروردی در تلاش است بین عقل و عرفان پیوند برقرار کند تا شخص بدینوسیله تربیت صحیح پیدا کند؛ آنچه او «ربانی شدن» نام مینهد. اما ملاصدرا شروع فعالیت‌های ادراکی نفس را - مستقیم یا غیرمستقیم - از راه حواس میداند. نفس فطرتاً فاقد معلومات است. انسان با قرار گرفتن در معرض عینیات و محسوسات به شناخت میرسد و از طرف دیگر، میتواند با استفاده از قوه تخیل به واقعیات امور دست یابد، بشرطی که قوه تخیل ابتدا با پرورش اندیشه و عقل، جهت درستی پیدا کرده باشد. ملاصدرا علاوه بر مبانی مشابهی که با سهروردی دارد، به بیان مبحث مهم حرکت جوهری پرداخته که طی آن نفس میتواند از پایینترین مرتبه خود به بالاترین مراتب جوهری خویش ارتقا یابد. شهودگرایی سهروردی و اعتقاد ملاصدرا به حرکت جوهری نفس، از مهمترین تمایزهای آراء این دو فیلسوف بزرگ است.

کلیدواژگان: تعلیم، تربیت، روشهای تربیتی، ملاصدرا، سهروردی.

مقدمه

اگر علوم انسانی، بویژه علوم تربیتی که نقشی اساسی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد، بر مبنای فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی طرحریزی نشود، همیشه ناتوان و وابسته خواهیم بود و به استقلال فرهنگی و بدنبال آن، استقلال اجتماعی، سیاسی و غیره نخواهیم رسید. در کشور ما، بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کم‌کم فلسفه تعلیم و تربیت نمود یافت و در چند دانشگاه مهم کشور مقطع کارشناسی ارشد و دکتری آن دایر شد. این رشته تحت تأثیر آموزه‌ها و تعلیم غربی بنا شد درحالیکه ما از اندیشه‌های فلسفی فلاسفه و حکمای بزرگ ایرانی، از جمله سهروردی، ملاصدرا، فارابی، ابن‌سینا، میرداماد و... برخورداریم، بنابراین بهتر است از علوم و آموزه‌های غربی بعنوان ایده‌ی برای تأسیس فلسفه تعلیم و تربیت متناسب با فرهنگ اصیل و بومی ایرانی - اسلامی استفاده گردد، نه اینکه اساس این فلسفه آموزه‌های غربی باشد.

تمدن ایرانی، تاریخی بسیار طولانی دارد و چنانکه از تحقیقات باستان‌شناسان و مورخان برمی‌آید، نزدیک به پنج هزار سال پیش از میلاد، اقوامی در فلات ایران زندگی میکردند که از تمدن و فرهنگ نسبتاً پیشرفته‌ی بهره‌مند بودند. نخستین آموزشگاه پس از خانواده، آتشکده‌ها بود و پیشوایان دینی پس از پدر و مادر، نخستین آموزگاران بودند و بالاترین هدف، ایجاد اخلاق شخصی و انسانی بود (کاردان، ۱۳۷۴: ۱/ ۷۲). تعلیم و تربیت از آغاز زندگی بشر بر فراز کره خاکی و تصرف او در طبیعت و تأثیر وی در جامعه، وجود داشته است و همواره شناسایی نیازهای مادی و معنوی انسان و روش ارضای آنها از طریق تعلیم و تربیت بدست می‌آمده و به نسل بعد منتقل میشد، تا رفته‌رفته دامنه این شناخت به رشد و دانش و تکنولوژی امروزی رسید. تعلیم و تربیت نه‌تنها میتواند در رشد

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱

تاریخ تأیید: ۹۸/۱۰/۱

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان؛

draliakbarnasirii@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه سیستان و

goleandooh@gmail.com

بلوچستان (نویسنده مسئول)؛

اخلاقی، عقلانی، رفتاری و حتی جسمانی مؤثر باشد، بلکه وسیله‌ی برای رفع نیازهای حقیقی و مصالح اجتماعی نیز بشمار می‌آید، یعنی نقش تعلیم و تربیت نه تنها در عینیت بخشیدن به زندگی مادی و معنوی فرد متوقف و محدود نمی‌شود بلکه تمام شئون اجتماعی او را دربرمیگیرد و عامل رشد و تحول اساسی جامعه می‌گردد (همانجا).

در این پژوهش ما ابتدا به بررسی آراء شیخ اشراق و سپس تبیین دیدگاه ملاصدرا می‌پردازیم. در آغاز هر بخش بطور خلاصه زندگینامه‌ی از ایندو حکیم و فیلسوف بزرگ نیز آورده شده است.

پیشینه پژوهش

۱. جاویدی کلانه جعفرآبادی (۱۳۸۴) در مقاله‌ی با عنوان «رویکردهای فلاسفه اسلامی به نفس و دلالت‌های تربیتی آن» با نگاه فلسفی به ماهیت انسان، اندیشه‌های ابن‌سینا، سهروردی و ملاصدرا را بررسی کرده و اهداف تعلیم و تربیت را بر اساس مبانی انسان‌شناسی و آراء این اندیشمندان تفسیر نموده است.

۲. نوروزی و هاشمی اردکانی (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیلی بر شناخت و اصول تربیت اشراقی از دیدگاه سهروردی» به بیان اصول تربیتی سهروردی پرداخته‌اند.

۳. باقری (۱۳۹۰) در مقاله‌ی با موضوع تطبیق دیدگاه‌های تربیتی سهروردی و هوسرل، به نقد دیدگاه پدیدارشناسی هوسرل بر مبنای اندیشه سهروردی پرداخته است.

۴. رحیم‌پور و بیادار (۱۳۹۵) در مقاله «روشهای تربیتی نفس از دیدگاه ملاصدرا»، بر اساس اتحاد نفس و قوا، به تبیین و توضیح حرکت جوهری پرداخته‌اند.

شیخ شهاب‌الدین سهروردی

شهاب‌الدین یحیی بن حبش بن امیرک ابوالفتوح سهروردی، ملقب به شیخ اشراق، مؤسس حکمت اشراق، عارف، فیلسوف و حکیم بلندآوازه ایران در سال ۵۴۹ق. در قریه سهرورد زنگان دیده به جهان گشود. او حکمت و اصول فقه را نزد مجدالدین جیلی در مراغه آموخت و در حکمت تبحر یافت. همچنین علم منطق را در حضور ظهیرالدین فارسی در اصفهان فراگرفت. سهروردی را رهبر افلاطونیان جهان نامیده‌اند. او را نمیتوان فقط فیلسوف نامید، زیرا بر بسیاری از علوم، از جمله عرفان، حکمت،

فقه، منطق، ادبیات، طبیعیات و... تسلط داشته است. شیخ اشراق هفت بار به سفر حج مشرف شد؛ این سفر نوعی ریاضت نیز محسوب می‌شد. سرانجام او در سال ۵۸۷ در سن ۳۸ سالگی در زندان حلب سوریه به قتل رسید.

از نکات برجسته و قابل توجه درباره سهروردی، علاقه خاص او به حکمت پارسی باستان، بویژه زرتشت است. این توجه ویژه به اندازه‌ی است که برخی اصطلاحات حکمت اشراق را از *اوستا* و منابع پهلوی گرفته است. او در کتاب *حکمت‌الاشراق* زرتشت را حکیم فاضل و خودش را احیاکننده حکمت ایران باستان دانسته است (محمدامین‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

روشهای تعلیم و تربیت از دیدگاه سهروردی

رویکرد سهروردی در زمینه تربیت، پرورش روحی و معنوی است؛ او در ضمن مباحث خویش واژه‌هایی را مورد توجه ویژه قرار داده که معنا و مفهوم آنها رشد روحی و معنوی است. از اینرو، اگر بخواهیم واژه تربیت را با رویکرد خاص سهروردی بیان کنیم باید بگوییم: مقصود وی از تربیت، ربانی شدن و خداگونه شدن است؛ یعنی از سلطه عوامل غریزی، حیوانی، مادی، محیطی خارج شدن و به خدا نزدیک شدن و الهی و آسمانی شدن (بهشتی، ۱۳۹۳: ۸/۲). سهروردی در زمینه تعلیم و تربیت انسان تلاش نموده که میان فلسفه، عرفان و دین پیوندی عمیق ایجاد کند تا فرد از طریق عقل، دین و عرفان، مسیر تعلیمی را بی‌ماید و به درجه والای خویش برسد.

نوشتار حاضر بر آنست که آنچه در باب تعلیم و تربیت در آثار شیخ اشراق - بصورت مستقیم یا غیر مستقیم - آمده را به اختصار بیان نماید.

۱. شناخت نفس

انسان‌شناسی در اندیشه سهروردی از اهمیت بالایی برخوردار است، چنانکه پایه و اساس شناخت را شناخت نفس میداند. او معتقد است شناخت آرای تربیتی، بدون شناخت انسان ممکن نیست و مبنای بسیاری از نظریات وی علم شهودی نفس است. همچنین او در بحث شناخت نفس، علاوه بر تشریح نفس و قوای آن، در راه تطهیر نفس و از میان برداشتن و رهایی از حجابهای ظلمانی نیز تلاش نموده است. سهروردی انسان را موجودی قدسی و دارای اراده و جاودانه می‌پندارد که او را از عالم ملکوت

جدا کرده و به عالم سفلی آورده‌اند. او معتقد است انسان می‌تواند با علم و اراده خود به معرفت حقیقی دست یابد، حجابها را برداشته و به جایگاه اصلی خود بازگردد؛ در واقع از شناخت خویش به شناخت حق برسد.

بیتردید میان فرایند تربیت اشراقی و معرفت نفس پیوندی بسیار ژرف و استوار وجود دارد. تربیت اشراقی تنها بر مدار معرفت نفس دست‌یافتنی و قابل تبیین است، زیرا آغاز و انجام سیر نفسانی و طی مسیر آن، وابسته به معرفت نفس است و تنها به یمن آن می‌توان بدرستی مبدأ عالم را شناخت و به اسماء و صفات او متصف شد و به او تشبه جست (همان: ۱۷).

شیخ اشراق برای تجرد نفس، برهانی اشراقی بنام «خودآگاهی حضوری» ارائه کرده است. او علم حضوری نفس به خود که علمی مستمر، ثابت، خطاناپذیر و یقینی است و هرگز نمی‌تواند حصولی و ناشی از صور علمی باشد را برهانی بر تجرد نفس میدانند (سهروردی، ۱۳۸۰: ۸۵-۸۶).

۲. پرورش اندیشه و عقل

جایگاه اندیشه و عقل در نظام تعلیم و تربیت، برای همه خردمندان آشکار و مبرهن است، زیرا با اندیشه و عقل است که انسان می‌تواند به معرفت خود و سپس معرفت خداوند برسد. سهروردی معتقد است انسان بدون اندیشه در خود و معرفت نفس، در تربیت خویش موفق نمی‌شود. او تربیت بدون دلیل و برهان را رد میکند و می‌گوید اگر بخود آیی و فکر کنی که از کجا آمده‌ی و به کجا خواهی رفت و خدا را بحقیقت بخوانی، خود را خواهی یافت (همان: ۳۶۹). شیخ اشراق بر تعقل و استدلال در تعلیم و تربیت تأکید فراوانی داشت و آن را معیار سنجش و تصمیم‌گیری میدانست. او برهان و تعقل را معیاری برای امور میدانند و حکمت اشراقی او بر تفکر و شهود استوار است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۶: ۴۶).

۳. عبودیت و تزکیه نفس

انسان زمانی می‌تواند در تربیت خویش موفق شود و خود را فردی والا بداند که درصدد تزکیه و تهذیب نفس باشد تا جنبه‌های معنوی خویش را شکوفا کند و روحش را به عالم بالا متصل نماید. در واقع کمال انسان در نظام تعلیم و تربیت، رسیدن به قرب الهی است. سهروردی ریاضت را از

بایسته‌های بنیادی سلوک اخلاقی و عرفانی دانسته است. از نظر او هر کسی بخواهد به کمال برسد، باید خود را از دنیا و تعلقات آن رها کند، با موانع و حجابها مبارزه نماید، به عبادت و تلاوت قرآن و تفکر بپردازد، مواظبت تام بر فریض و نوافل، بویژه نماز شب و روزه‌داری کند و در این راه از سختیها نهراسد (بهشتی، ۱۳۹۳: ۱/ ۱۴۴). دلیل مشکلات امروزه بشریت کمبود معنویت، اخلاق و فرهنگ و پیامد ضعف عقیده، اخلاق و اندیشه است. برای تربیت انسانی خداگونه و بارآده باید از خودسازی، آنهم از دوران کودکی، شروع کرد (همو، ۱۳۸۰: ۴۹).

۴. معرفت شهودی

تعلیم و تربیت شهودگرایانه بر اصول و روشهایی تأکید می‌ورزید که سمت و سوی درونی یا ارتباطی مستقیم با پدیده‌های مورد نظر دارد. سمت و سوی درونی، اعم از درون‌نگری متناسب با رویکرد اشراقی یا تأمل متناسب با رویکرد شناختی، تکیه‌گاه تعلیم و تربیت را از عوامل بیرونی به ابعاد درونی معطوف میکند. البته باید توجه داشت که درونی بودن این نوع تعلیم و تربیت در هر دو معنای آن حاکی از این نیست که باید ارتباط فرد با محیط قطع شود، بلکه داشتن ارتباط در این رویکردها ضروری است. اما نکته اصلی اینست که ذهن ادراک‌کننده فرد باید به این ارتباط محور و معنا ببخشد. در دیدگاههای برون‌نگر، محوریت به عوامل بیرونی داده میشود که در نتیجه آن ذهن ادراک‌کننده به موقعیتی منفعل در ارتباط با عوامل بیرونی افکنده میشود. در مقابل، رویکرد شهودی در پی آنست که قلب تپنده و کانون معنابخش ارتباط با چیزها را در فاعل شناسا یا ذهن ادراک‌کننده قرار دهد (باقری، ۱۳۹۰: ۱۷).

هدف نهایی تعلیم و تربیت سهروردی نیل به اشراق است که آنهم بنوبه خود، چون پای عنصر عقلی و نقلی و نفس در تمام وجوه و ساحات آن را بمیان می‌آورد، مستلزم کمال یافتن تمام قوای ذهنی و روانی یا نفسانی انسان است.

ملاصدرا

صدرالدین محمد بن ابراهیم قوام شیرازی، ملقب به ملاصدرا و صدرالمتألهین، بنیانگذار مکتب متعالیه، در روز نهم جمادی‌الاول سال ۹۱۸۰ق. در شیراز دیده به جهان گشود. پدر



او خواجه ابراهیم قوامی، وزیر حاکم منطقه فارس، سیاستمداری دانشمند و مؤمن بود. ملاصدرا در بسیاری از علوم متعارف زمان خود، از جمله در حکمت مشاء، اشراق، عرفان، کلام و تفسیر قرآن، ریاضیات و... تبحر داشت و شاگردان زیادی را پرورش داد؛ از جمله فیض کاشانی و عبدالرزاق لاهیجی که هر دو دامادهای وی نیز بودند. او مدتی درس را رها کرد و به عبادت و ریاضت پرداخت و مراحل معنوی و عرفانی را طی نمود و خود را به بالاترین درجه معنویت رسانید. ملاصدرا نیز همانند سهروردی هفت بار به سفر حج مشرف شد و سرانجام نیز در آخرین سفرش در سال ۱۰۵۰ق. در سن ۷۱ سالگی در راه بازگشت از مکه، در شهر بصره از دنیا رفت.

تعلیم و تربیت از دیدگاه ملاصدرا

تحصیل علم و دانش در نظر ملاصدرا جایگاه خاصی دارد. او علم را مقدمه‌یی برای تطهیر باطن و زمینه‌ساز عمل میداند و هیچ علمی را نفی نمیکند. وی معتقد است ندانستن علم و دانشی دلیل بر انکار و بیفایده دانستن آن علم نیست، بلکه صرفاً جهل و نادانی ما را نشان میدهد (رشیدی احمدآبادی، ۱۳۸۷: ۴۵).

روشهای تربیتی از دیدگاه ملاصدرا

اگرچه ملاصدرا در آثار خود بطور مستقیم به بیان شیوه‌های تربیتی نپرداخته است اما میتوان با تحقیق و تفحص در آرای وی، این روشها را استنباط کرد.

۱. روشهای بکارگیری فعال حواس

از دیدگاه ملاصدرا فعالیت ادراکی نفس از راه حواس آغاز میشود و هر یک از معلومات و معقولات، یا مستقیماً از راه حس بدست آمده یا آنکه جمع شدن ادراکات حسی ذهن را برای حصول آن معلوم، مستعد کرده است. نفس از ناحیه ذات خود فطرتاً نمیتواند ادراکی از اشیاء خارجی داشته باشد و آنها را تعقل کند (نوروزی و بابازاده، ۱۳۹۲: ۴۳). هرچه حواس ظاهری عمل خود را بهتر انجام دهند، معلومات اولیه ذهن زیادتر و دقیقتر بوده و این امر در کمیت و کیفیت اعمال نفسانی و ترکیبات و ابتکارات ذهنی تأثیر کلی خواهد داشت. مربی میتواند با ایجاد فرصتهایی برای تماس حسی مستقیم کودک با پدیده‌های طبیعی، تدریس مبتنی بر عینیات، ایجاد شرایط و بازیهای خاص، مواجهه وی با

طبیعت و افزایش توجه او به امور محسوس، با استفاده از شیوه‌های عملی آموزش و درگیر ساختن متربی در فعالیتهای آموزشی، در بشمر رسیدن این امر مهم نقش مؤثر داشته باشد (همان: ۴۵).

۲. پرورش و جهندهی خیال

کودکان از قوه تخیلی قوی برخوردارند، از اینرو پرورش تخیل در سالهای اولیه زندگی اهمیت فراوانی دارد. در مورد قوه مخیله دو مرتبه وجود دارد: یکی خیالی که انسان را بسوی حقیقت راهنمایی میکند و دیگری خیالی که انسان را از حقیقت دور میکند و منجر به توهم میشود. بنابراین، تخیل فردی که مورد تعلیم قرار گرفته، باید بگونه‌یی باشد که او را بسمت واقعیات هدایت کند نه گمراهی.

قوه مخیله وظیفه انتقال بعضی از صور به بعضی دیگر را دارد، گاهی زیر نظر قوه واهمه به تجزیه و ترکیب در محسوسات میپردازد و گاهی تحت نظر عقل برای ترکیب فکر و مقدمات دلیل و تشکیل قیاس بکار میرود (ملاصدرا، ۱۳۷۱: ۴۵).

۳. پرورش اندیشه و قوای عقلی

از منظر ملاصدرا جوهره و حقیقت نفس انسان با عقل و عقلانیت بمنصه ظهور و کمال میرسد. جوهر نفس از نظر ذات و فطرت خویش مستعد است که بوسیله عقل نظری راه کمال را ببیماید و بوسیله عقل عملی از آفات و ظلمات رهایی یابد (همو، ۱۳۶۶: ۳۰۲). پرورش قوای عقلی انسان در نظام تعلیم و تربیت اهمیت زیادی دارد. نظامهای آموزشی گذشته کمتر به جایگاه خلاقیت، اندیشه و استدلال پرداخته‌اند. یکی از دلایل این امر، شیوه‌های یاددهی و یادگیری است که در این روشها متربی اساساً خود نمی‌اندیشد بلکه محفوظات و مسموعات خود را دوباره تکرار میکند درحالیکه کودکان بسیار کنجکاو و سؤالات و اندیشه‌های مبتکرانه بسیاری در سر دارند که اگر به آنها پاسخ صحیح داده نشود، کم‌کم به خاموشی خواهند گرایید.

معلم و متربی باید سؤال‌کننده، جستجوکننده و خواهندد باشد. الگوی حل مسئله، یادگیری اکتشافی و پرورش تفکر انتقادی بصورتی که متربی بتواند بطور صحیح و بدون سوگیری و غرض‌ورزی، درست بودن یا نادرست بودن هر فکر

و عقیده‌یی را به نقد بکشد نیز از لوازم پرورش تفکر در سطوح عالیتر هستند (بختیار نصرآبادی و نوروزی، ۱۳۸۳: ۱۵۳).

۴. تزکیه و تهذیب نفس

ملاصدرا معتقد است قوه حیوانی که مبدأ ادراکات و افعال حسی انسان است، اگر ریاضت نکشد و فرمانبردار روح نشود، قوه ناطقه را در اهداف حیوانی خود بخدمت خواهد گرفت، اما اگر قوه عاقله او را ریاضت دهد، از تخیلات، توهّمات و افعالی که صحیح و محرک شهوت و غضبند باز دارد و آن را آنگونه که عقل عملی اقتضا میکند، مجبور نماید، و درنهایت قوه حیوانی فرمانبردار عقل شود، همه قوا از آن پیروی خواهند کرد و فرد بکمال خواهد رسید (ملاصدرا، ۱۳۷۱: ۱۰۷۷).

۵. شناخت نفس

ملاصدرا برای نفس مراتبی قائل است که عبارتند از: نفس نباتی، نفس حیوانی و نفس انسانی. بعقیده او در حوزه نفس انسانی نیز اکثر مردم حضوری تام نزد نفس خویش ندارند، بلکه کثرت اشتغال به امور خارج از ذاتشان و شدت توجه به امور حسی و فرو رفتن در دنیا، آنها را از توجه به ذات خود و اقبال به خویش و بازگشت به ژرفای حقیقت خود بازداشته و از اینرو تنها ادراکی ضعیف از خود دارند. اما نفسهای نوری و قوی و کامل که بر قوا و لشکریان خود چیره و غالب هستند، به تمام حقایق ذات خود علم حضوری دارند (همو، ۱۹۸۱: ۲/۲۲۸).

از نظر ملاصدرا کمال بر دو قسم است و نفس بر اساس حرکت جوهری از دو نوع تکامل برخوردار است؛ تکامل مادی و جسمانی و تکامل نفس و روحانی. تکامل جسمی همان رشد جسمانی بدن است که در نهایت منجر به زوال و مرگ میشود و تکامل نفس و روح، تکامل خود انسان است و همواره جاودان خواهد بود.

۱-۵. نفس نباتی

به اعتقاد ملاصدرا نفس در آغاز اصلاً مجرد نیست. جنین، نطفه یک ماده است و تمام مراحل آن مادی است. اساساً صحبت از نفس و تجرد نیست، صحبت از یک موجود مادی محض است که این مراحل تکاملی را از مقام نطفه بودن در رحم تا مرحله جنینی طی میکند (ابراهیمی دینانی و کرمزاده، ۱۳۸۶: ۱۰).

۲-۵. نفس حیوانی

پس از مدتی که شکل و خلقت جنین کامل شد و بصورت حیوان یا انسان درآمد، نفس نباتی به درجه نفس حیوانی ارتقا می‌یابد و علاوه بر عمل نفس نباتی به اعمال و افعال نفس حیوانی می‌پردازد (مصلح، ۱۳۵۲: ۷). از منظر ملاصدرا خصوصیت و مشخصه حیوانی حرکت و احساس است، چه احساس بیرونی که بوسیله حواس پنجگانه انجام میشود و چه احساس و درک درونی و باطنی که ابزار آن خیال و ذهن است (ملاصدرا، ۱۳۷۱: ۳۸).

۳-۵. نفس انسانی

هنگامی که انسان با نیروی تفکر و تعقل به جستجوی حقیقت برود، انسان بالفعل خواهد شد و اگر این نیرو در وی تکامل یافت و به سرحد رشد و بلوغ معنوی رسید و ملکه استنباط و فضایل انسانی در وی بنحو اکمل تحقق پیدا کرد، او را انسان نفسانی بالفعل و ملکوتی بالقوه می‌خوانند (همانجا).

نقش حرکت جوهری در تعلیم و تربیت از دیدگاه

ملاصدرا

حرکت جوهری نفس یکی از اساسیترین مفاهیمی است که ملاصدرا مطرح کرده و بر اساس آن سیر تکاملی نفس را بنا نهاده است. او معتقد است همانطور که هر جوهری در ذات خود متحرک است، نفس نیز بعنوان یکی از انواع جوهر، دارای این نوع حرکت هست و بتدریج از پایینترین مراتب خود بسوی کمال جوهری خود، حرکت میکند تا به بالاترین مراتب جوهری خویش ارتقا یابد (زکوی، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

بر مبنای حرکت جوهری، جهان یک واحد بهم پیوسته و دارای حرکت و سیلان یکپارچه است. این حرکت متشکل از قوه و فعل است؛ بدین معنا که هر مرتبه از حرکت که به فعلیت رسیده باشد، قوه‌یی برای مرحله بعد محسوب میشود. استمرار امر تربیت از این اصل مهم ناشی میشود و بستر عمل بعد را فراهم میسازد. گذر از این مرحله، قوه لازم برای فعلیت آتی در تربیت فرد را بدنبال خواهد داشت. بنابراین، نظام تعلیم و تربیت نیز نباید در یک مرحله متوقف شود، بلکه باید تمام لحظه‌های عمر آدمی را دربرگیرد، چراکه مسیر رشد و کمال نفس، بینهایت است (نوروزی و بابازاده، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

با توجه به دیدگاه ملاصدرا در حرکت جوهری، تعلیم



و تربیت باید گام‌بگام و تدریجی باشد نه اینکه یکجا و بصورت فشرده در یک مقطع خاص انجام و سپس منقطع گردد، زیرا تعلیم و تربیت باید بمنظور رسیدن به اهداف و آرمانهای الهی و رشد و تکامل فرد باشد و این چیزی نیست که انسان در کوتاه‌مدت به آن دست یابد.

ملاصدرا نفس ناطقه را اولین کمال بدن و قوه‌یی میداند که قادر است تعقل کند و خود دارای دو قابلیت اصلی است: پذیرفتن آنچه از بالا می‌آید (قوه عالمه) و اثر گذاشتن بر آنچه فروتر از آن است (قوه عامله). قوه دوم (عملی) توسط قوه اول (نظری) یاری میشود و به آن وابسته است. هدف از تعلیم و تربیت نزد ملاصدرا بفعلیت و کمال رساندن این دو قوه بقصد تحقق بخشیدن به هدفی است که انسان برای آن خلق شده است؛ یعنی شناخت خدا (نصر، ۱۳۸۶: ۲۶۹-۲۶۵).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از آنجا که تعلیم و تربیت نفس، امری است که باید گام‌بگام و بتدریج انجام شود، میتوان نتیجه گرفت که انسان باید از کودکی مورد تعلیم قرار بگیرد تا وقت کافی برای طی مراحل رشد و کمال را داشته باشد. اگر انسان از کودکی با اندیشه‌های خداپاوار آشنا شود، میتواند گفت خودسازی از کودکی آغاز گشته است. بزرگان میگویند: «قلب کودک چون زمین ساده‌یی است که هر بذری در آن کاشته شود، رشد میکند». پس اگر متولی تربیت کودک، او را بتدریج با طبیعت، پدیده‌های عینی و ظاهری، از طریق بازی و شرایط خاص مواجه کند و کودک بتواند مفهوم واقعیتهای را بتدریج متوجه شود، تخیل او نیز بسمت واقعیات رفته و ابزاری برای شناخت بهتر خواهد بود و قوه عاقله که دو فیلسوف نامبرده نقش بسیار مهمی برای آن در رسیدن به کمال انسانی قائلند، در شخص شکوفا خواهد شد.

با توجه به نقش افراد در شکلگیری فرهنگ جامعه و تأثیرپذیری افراد از یکدیگر، هنگامی که جامعه از چنین افرادی تشکیل شود، جامعه بتبع افراد آن، مدینه‌یی فاضله خواهد شد؛ آنگاه هدف کلی‌یی که برای انسان در این دو مکتب تعریف شده (نبیل به معرفت‌الله) محقق خواهد شد.

منابع

ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۶) *شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی*، تهران: حکمت.

ابراهیمی دینانی، غلامحسین؛ کرم‌زاده، رحمت‌الله (۱۳۸۶) «رابطه نفس و بدن»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق*، شماره ۲۴، ص ۲۱-۳. باقری، خسرو؛ باقری، محمدزهریر (۱۳۹۰) «مبانی فلسفی و روانشناختی تعلیم و تربیت: بررسی و تطبیق دیدگاه‌های سهروردی و هوسرل»، *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، سال ۱، شماره ۲، ص ۵۰-۵۲. بختیارنصرآبادی، حسنعلی؛ نوروزی، رضاعلی (۱۳۸۳) *آموزش رویکردها و انگاره‌های جدید*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

بهشتی، محمد (۱۳۸۰) «اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)»، *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۵، ص ۴۱-۶۴.

_____ (۱۳۹۳) *فلسفه تعلیم و تربیت اشراق (نظریه تربیتی)*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره (۱۳۸۴) «رویکردهای فلاسفه اسلامی به نفس و دلالت‌های تربیتی آن (ابن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا)»، *نامه انسان‌شناسی*، شماره ۷، ص ۲۷-۵.

رحیم‌پور، فروغ‌السادات؛ بیادار، هنگامه (۱۳۹۵) «روش‌های تربیتی نفس از دیدگاه ملاصدرا»، *انسان‌پژوهی دینی*، شماره ۳۶، ص ۹۰-۷۳.

رشیدی احمدآبادی، راضیه (۱۳۸۷) *مبانی فلسفی تعلیم و تربیت و پیوند آن با زیبایی‌شناسی و تحولات فرهنگی از دیدگاه ملاصدرا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات، دانشگاه اصفهان.

زکوی، علی‌اصغر (۱۳۸۴) «تحلیلی از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا در مسئله حدوث نفس»، *فصلنامه انجمن معارف اسلامی ایران*، شماره ۹۲، ص ۱۴۷-۱۱۹.

سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۸۰) *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، ج ۳، تصحیح سیدحسین نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کردان، علیمحمد (۱۳۷۴) *فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: سمت. محمدامین‌زاده، حسن؛ محمدامین‌زاده، لیلیا (۱۳۹۱) «اخلاق تربیت از منظر سهروردی»، *مقالات همایش اخلاق سهروردی*، زنجان: دانشگاه زنجان.

مصلح، جواد (۱۳۵۲) *علم‌النفس یا روانشناسی صدرالمناهلین*، تهران: دانشگاه تهران.

ملاصدرا (۱۳۶۶) *تفسیر قرآن کریم*، ج ۷، قم: بیدار. _____ (۱۳۷۱) *مفاتیح الغیب*، ترجمه محمد خواجوی، تهران: مولی.

_____ (۱۹۸۱م) *الحکمه المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

نصر، سیدحسین (۱۳۸۶) *اسلام سنتی در دنیای متجدد*، ترجمه محمد صالحی، تهران: دفتر پژوهش سهروردی.

نوروزی، رضاعلی؛ بابازاده، طاهره (۱۳۸۹) «پیمادهای تربیتی نفس از منظر ملاصدرا»، *اندیشه نوین دینی*، شماره ۲۳، ص ۱۱۲-۹۱.

_____ (۱۳۹۲) «تحلیلی بر اهداف و روش‌های تربیتی مبتنی بر کمال نفس از دیدگاه ملاصدرا»، *تربیت اسلامی*، سال ۸، شماره ۱۶، ص ۵۶-۳۱.

نوروزی، رضاعلی؛ هاشمی اردکانی، سیدحسن (۱۳۹۱) «تحلیلی بر شناخت و اصول تربیت اشراقی از دیدگاه سهروردی»، *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۱۴، ص ۷۵-۹۳.